

ابراهیم صفائی

گزارشی از دارالفنون



دارالفنون نخستین مؤسسه آموزش های عالی در ایران بود که در سال چهارم پادشاهی ناصرالدین شاه با کوشش امیر کبیر در طهران ایجاد گردید و در پنجم ربیع الاول ۱۲۶۸ ق (پس از برکناری امیر کبیر) گشایش یافت. این مؤسسه در علوم و فنون مختلف به ویژه رشته پزشکی، مهندسی و رشته های نظامی بوسیله استادان خارجی در آنجا آموزش داده می شد. این مجمع عالی آموزش بسیار مورد توجه ناصرالدین شاه بود، ارگامی شخصاً به دارالفنون سرکشی می کرد و در کلاس های درس حاضر می شد. گزارش کار دارالفنون نیز روزانه برای وی ارسال می گردید. در سال ۱۲۷۸ ق که سازمان فراماسونی ملکم و یعقوب ارمنی (پدر ملکم) در دارالفنون کشف گردید (با ارتباطی که گردانندگان این سازمان با سیاست پیشگان کشورهای استعمارگر آن روزگار داشتند) از توجه شاه به دارالفنون

کاسته گردید، ولی بهر حال تا پایان پادشاهی ناصرالدین شاه این مؤسسه عالی آموزشی کم و بیش رونق خود را حفظ کرد و مرکز تجدد و تحول فکری در ایران شد و شعبه آن نیز در تبریز افتتاح گردید. در دوره آشفته پادشاهی مظفرالدین شاه (که از بدترین ادوار تاریخ ایران است) و نیز در دوره هرج و مرج مشروطه بازی دارالفنون رونق خود را از دست داد و رفته رفته بصورت يك دبیرستان درآمد.

برای اطلاع از سازمان و برنامه کار و شعبه‌ها و رشته‌های درسی و مقررات ویژه دارالفنون و آشنائی با نام استادان این مؤسسه آموزشی عالی، یکی از گزارش‌های روزانه دارالفنون را که بکصد و بیست و شش سال پیش از طرف اعتضاد السلطنه (نخستین و دانشمندترین وزیر علوم ایران) و رضا-قلی‌خان هدایت ناظم دارالفنون برای ناصرالدین شاه نوشته شده است در اینجا به خوانندگان مجله ارمغان تقدیم می‌دارم. اصل این سند متعلق به آقای مسعود سالوری می‌باشد.

گزارش رؤسای دارالفنون برای ناصرالدین شاه (۱۲۸۲ ق)

چون نواب اعتضاد السلطنه (۱) وزیر علوم ابلاغ حکم محکم شاهنشاهی روحنا فداه را نمودند که جان نثاران رؤسای مدرسه مبارکه دارالفنون اگر غیب و بی‌نظمی در کارهای مدرسه دیده بعرض خاکیهای مبارک رسانیده حسب-الحکم جسارت می‌ورزیم. عرایض ما چاکران این است که در امر مدرسه ظاهراً هیچ قسم بی‌نظمی واقع نشده ولی به جهات عدیده برای آنها یأس حاصل است که این منافع ترقی

و تربیت است بعلمت اینکه اول چیزی که حکمای قدیم واروپا تجربه کرده اند بجهت هر مشغل و منظوری که تصور شود از تربیت دولتی یا امر جنگ یا تتبع صنایع بخصوص تعلیم و تعلم علوم که سرآمد همه آنها است بسته به حواس جمع و معیشت درست است و شوق و امیدواری کلی بترقی در دولت و اینها الآن درباره اهل مدرسه مفقود شده است .

اولا مواجب و مرسوم هر يك از اهالی مدرسه را از رؤساء و معلمین و متعلمین با هر يك از طبقات نوکران دیوانی بسنجند البته بمراتب کمتر است فعلا جعفر قلیخان (۲) رئیس مدرسه با محمد حسینخان ناظم و تقی میرزای آجودان بدون اینکه يك تومان مداخل خارجی داشته باشند از طلوع آفتاب تا سه ساعت به غروب مانده مشغول زحمت سؤال و جواب باطفال هستند، از تمام همقطاران خودشان مواجب کمتر دارند و بعضی مواجب شاگردان بقدر سرچونجه و وکیل فوج نیست .

اگر در نظر اولیاء دولت چنان بیاید که در بدو امر که قرار مدرسه داده شد معین گشت مواجبی که در سال اول برای شاگرد داده میشود متدرجا بر حسب ترقی زیاد نموده این فرمایش درست است ولی در وقتی بود که دو سال يك مرتبه شاگردان امتحان می شدند و متصل مواجب زیاد کرده و بعد از آنکه فارغ التحصیل شده بیکی از مناصب عالیه در نظام اعم از پیاده و سواره و توپخانه یا وزارت امور خارجه منصبی بزرگ پیدا کرده ، الآن چهار پنج سال است امتحان نشده اند ، همان دوازده تومان یا بیست تومان مواجب باقی مانده بشاگردان میگویند اگر عملگی بکنیم بیشتر از این اجرت خواهیم گرفت ، گذشته از این دوسه ماه از سال نو می گذرد هنوز مواجب ششماهه و نه ماهه آنها از سال کهنه باقی است و در اوایل مدوسه مبالغی به اسم مساعده به شاگردان

داده می‌شد، سه ماه باآخر سال مانده مواجب آنها بکلی پرداخته می‌شد و حالت معلمین از ایرانی و فرنگی همین است، مثلاً میرزا رضای دکتر شکایت دارد که سایر دکتورها چون خارج از مدرسه هستند هر يك مواجیبی بهر وسیله باشد زیاد کرده یا انعامی گرفته، من بهمان حالت سابق باقی هستم، حالت سایر معلمین نیز همینطور است، اگر معلمین فرنگی شکایتی بوزارت امور خواجه نمی‌کنند مهربانی و رفتار و اعتضاد السلطنه است و الا همه روزه بوزارت جایله خارجه بتوسط سفرا زحمت داده مطالبه مواجب خود را می‌کردند و ما چاکران که سمت ریاست در مدرسه داریم همه روزه بضرب چوب و محصلی (۳) فراش شاگردان را حاضر کرده چون بجهت محل ملایر (۴) نهار و ملبوس و مخارج جزئیة آنها حاضر است و اعتضاد السلطنه معین کرده اند شاگردان نمی‌توانند طفره بزنند و ما چاکران میتوانیم جسارت بکنیم که قبل از انعقاد مدرسه سوای علوم دینی و عربیه و طبابت ایرانی علوم دیگر در ایران نبود که از او فوائد برداشته شود و اینهمه فوائد که الآن در دولت علیه پیدا شده که در تمام روزنامه‌های اروپا تمجید و تحسین از اهل ایران میشود بسبب بنای مدرسه مبارکه است مثل علم تلگراف و دواسازی که از آن نتایج عکاسی و بعضی جوهریات و اسبابهای تماشاخانه گرفته شده و علوم هندسه و جرنقیل، اقسام حساب و مثلثات اعلی که نقشه کشی میتوان گفت، در این علوم با مدارس بزرگ فرنگستان میتوان گفت مقابلی می‌کند و علوم طب فرنگی و همچنین طب ایرانی که الآن دو حکیم باشی معتبر مثل میرزا عبدالوهاب و میرزا سید رضی نزدیک به شصت نفر و طبیب قریب به کمال را درس میدهند و السنه مختلفه از فرانسه و انگلیسی و روسی به متعلمین می‌آموزند و بعضی به درجه کمال رسیده و واضح است در آنچه عرض شد احدی را مجال انکار نیست و بعضی مخارج فوق العاده در سنوات

قبل برای مدرسه پیدا می شد بمحض اظهارتنخواه نقد بشحویلدار نظام یا خزانه مبارکه حواله شده آن امر صورت میگرفت. الآن وزیر علوم در اینگونه اخراجات (۵) بملاحظات چند انکار دارند و لابد باید شاگرد آنچه را تعلیم می آموزد و او را در چندی یکبار بعمل آورده مثل سنگر سازی یا ساختن باسیستان (۶) و غیره در هر يك مخارج دارند یا آنکه نسبت به ازمنه کتب متفرقه یا اسباب نقاشی و هندسه لازم میشود باید تنخواه نقد داده شود آنها چندان منظم نیست. مستدعیات جان نثاران:

اولا چون کلیتاً تشویق معلمین و متعلمین موجب پیشرفت کارهای عمده مدرسه میشود و سابق بر اینهم اعلی حضرت اقدس ظل اللهی روحناه فداه در هر دو ماه يك نوبت تشریف فرمای مدرسه می شدند و در اطاق درس رفته معلمین از متعلمین سؤال و جواب حضوری میکردند و همین فقره موجب خوف از ندانستن درس و رجاء به الطاف ملوکانه شاگرد می شد و با کمال شوق در تحصیل خود می کوشیدند و اکنون بهیچوجه اظهار مرحمتی نمی شود منحصر است بسالی يك نوبت، محض مزید شوق معلم و متعلم مرحمت اقدس شاهنشاهی باید مقتضی شود که سالی چند نوبت اهالی مدرسه را سرافراز فرمایند و این اظهار مرحمت موجب این میشود که اکابر رجال دولت چون خاطر مبارک را مصروف مدرسه می بینند با کمال شوق اطفال خود را بشاگردی میفرستند.

دیگر آنکه در هر دو سال یکمرتبه حکم امتحان اهالی مدرسه می شد و اگر موجب آنها کم بود بشوق افزودن مواجب در امتحان ثانی دلخوش بودند و حتی الامکان در تحصیل سعی می شدند، اکنون پنجسال است که امتحان از ایشان نشده و در این مدت چند طبقه شاگرد تربیت شده و اغلب آنها نزدیک به درجه فراغت از تحصیل اند و در کمال خوبی مشغول بتعلیم و تعلم بوده و میباشند

و هر صنف شاگردی چندین علم دیده است، پیوسته منتظر امتحان هستند بهیچوجه اظهار در این باب نشده است و این فقره مایه یأس کلی شده است. دیگر آنکه چون بعضی از معالین هر روز دودرس میگویند و تا غروب متوقف مدرسه میباشند و تهیه درسهای روز بعد را می نمایند و اغلب بسرکشی و امتحان متعلمین در اطاقهای درس گردش می کنند و شب را نیز تا چند ساعت مشغول ترجمه و تألیف و تصنیف هستند (۷) و فی الحقیقه خدمتشان دائمی است و آبی غفلت ندارند و بخدمات خارجه دولتی که گاه رجوع می شود نیز میپردازند و بالنسبه مواجبشان کم است و زحمتشان زیاد لهذا رئیس مدرسه از خاکپای مبارک مستدعی است که در حق آنها مرحمتی مبذول شود که فی الجمله آسایش حاصل نموده مواظب خدمات و انجام آن باشند.

دیگر آنکه معلمین مدرسه بر دو قسمند، بعضی اکابرزاده و بابضاعت هستند و اکثری رعیتزاده و بی بضاعت ولی باهوش و ذکاوت، مواجب مدرسه آنها مختلف است از دوازده تومان الی چهل تومان و چنان اتفاق افتاده که رعیتزادگان بعضی هیچ مواجب ندارند و پارهائی دوازده تومان دارند و بهیچوجه مدد معاش هم از خارج ندارند و منحصر است باین دوازده تومان لهذا کافی نیست و اغلب اوقات پریشان احوال هستند و از حالت تحصیل باز می مانند و اکابرزادگان چندان احتیاجی باین قلیل مواجب ندارند بلکه محض تشویق و ترغیب آنها مرحمت می شود، جان نثاران عرض می کنند اگر بالسویه نفری بیست و چهار تومان تمام بدون کسر و نقصان سالیانه در حق آنها مواجب مرحمت شود مناسب تر و بهتر از حالت کنونی است و چندان ضرری برای دیوان اعلی وارد نمی آید و از برای اطفال بی بضاعت راه معاضی حاصل می شود که بتوانند در مدت تحصیل خودداری نمایند، مجموع این مبلغ برای صد نفر شاگرد دوهزار

و چهارصد تومان است و قدری از این مواجب اکنون در این مدرسه هست که بمعلمین داده می شود مابقی را باید دیوان اعلیٰ مرحمت فرمایند و چنانچه مروض شد در این تقسیم شأن و ترقی شاگرد منظور نمی شود و آن فی الحقیقه وجه معاش آنهاست نه مواجب دائمی و این مبلغ هرگز افزایش و نقصان نمی پذیرد جز افزایش معلمین و آن را آنها دریافت می کنند مادامی که در مدرسه مشغول تحصیل هستند و چون فارغ شده بیرون رفتند حقی از آن مواجب ندارند بشاگردی خواهد رسید که در عوض گرفته شود و شاگردان فارغ التحصیل چون از مدرسه خارج شدند و عملشان بانجام رسید باید از جانب اولیاء دولت قاهره نسبت بلباقت هر کس منصب و مواجبی مقرر شود و بخدمت دولت سرافراز آید از قراریکه عرض کردیم مدت تحصیل معلمین هفت سال خواهد بود و بهتر آن است که موافق معمولی تمام دول فرنگستان عدد ایام تحصیل هفته شش روزه باشد و حتی الامکان اسباب تعطیل فراهم نیاید و چون هوای دارالخلافه در تابستان بسیار گرم و مغشوش است غالب شاگردان با اقارب و خویشاوندان خود به بیلاق حرکت می نمایند و جمع آوری ایشان خالی از صعوبت نیست چهل روز از اواسط تابستان را بجای دوشنبه های بایر اوقات سال تعطیل قرار دهند که معلم و متعلم بنا بر قرارداد کلیه اهل علم چند روزی در ایام فتور و حرارت همه آسودگی اختیار کنند و از این تعطیل نظر بد اثر کردن تحصیل دوشنبه ضرری در تحصیل سالیانه پیدا نمیشود و برای دیوان اعلیٰ نیز تفاوتی در خرج وارد نیاید و هفته شش روز و روزی دودرس گفته خواهد شد و سوای ایام جمعه و ایام متبرکه و محظوره معلمین همه روزه مشغول تحصیل خواهند بود از این قرار سال شمسی سیصد و شصت و پنج روز است و سوای پنجاه جمعه و سی روزه رمضان و بیست و سه روز ایام متبرکه و محظوره روزی دودرس خواهند دید به اضافه مشق،

نقاشی و عدد ایام تحصیل دو بیست و بیست روز میشود و حال آنکه پس از استثنای جمعاعات و دوشنبه‌ها و ایام محظوره و متبرکه که رمضان عدد ایام تحصیل یکصد و هشتاد روز است.

در حاشیه این گزارش توضیحاتی بخط اعتضاد السلطنه وزیر علوم افزوده شده که درست خوانده نمی‌شود ناصرالدین شاه نیز در پنج مورد یادداشت‌هایی کرده از آن جمله درباره سرکشی به دارالفنون نوشته است: انشاءالله در مراجعت از سفرالتفات خواهد شد. در مورد امتحانات دارالفنون نوشته است: از حالا نواب اعتضاد السلطنه شروع بتبیه اسباب امتحان نمایند که بعد از مراجعت اهالی مدرسه از بیلاق اقدام به امتحان بشود و انشاءالله بعد از آنکه فارغ التحصیل شدند هر يك بخدمتی مأمور و سرافرازمی شوند. درباره افزایش اعتبار حقوق شاگردان دارالفنون نوشته است: بابت دوهزار تومان زیادی چیزی مرحمت می‌شود، نمی‌توان مواجب مردم را کسر کرد مایوس می‌شوند. درباره تعطیل تابستانی نوشته است: ایام تعطیل در هفته منحصر بهمان جمعه باشد دوشنبه‌ها را درس بخوانند اما در تابستان چهل روز مرخص شده تعطیل نمایند که گرما و صدمه نباشد.

در روی جلد گزارش بخط ناصرالدین شاه نوشته شده است:

کتابچه ایست که در باب نظم مدرسه اعتضاد السلطنه نوشته است الحق درست نوشته است و بنای این مدرسه از اولی حال الحمد لله لغونشد و فایده‌های زیاد به دولت رسید و بعد از اینهم خواهد رسید، حکیم الملك (۸) این کتابچه را ببرد جناب آقا (۹) ملاحظه کند و این اشخاص را هم در مجلس جناب آقا حاضر کند این کتابچه را بخوانند قراری که لازم است بدهند که آسودگی کلی از این

